

اعمال نفوذ محافل صنعتی و بازرگانی علیه کشاورزی

محمد ابراهیم امین

هنگامی که منافع صاحبان فولاد و کارگران فولادسازی را در خطر دید بر همه الزامات و مقررات سازمان تجارت جهانی تفویض است.

کنده دیگری که توجه بدان ضروری است نظر داشتن به منافع صاحبان صنایع فراوری محصولات کشاورزی چون تسنجی، روغن کنج، قند و شکر، لبنیات، چای سبز و غیره است. فعالان این صنایع همواره کوشیده‌اند به بهانه کاهش قیمت محصولات کشاورزی در بازارهای داخلی (و لزوم هماهنگی با اقتصاد بین‌المللی و جهانی) تقاضای افزایش قیمت تسنجی، محصولات مورد استفاده در این صنایع جلوگیری از صادرات محصولات را بکنند. کشاورزان ایرانی را در دریافت بارانه موکول نمایند. پرداخت بارانه بابت خرید این محصولات (دانه‌های روغن کنج، چغندرک، پنبه، و...) همواره در دستور کار مسئولان مربوطه قرار داشته و توجه این پرداخت، حمایت از کشاورزان تولیدکننده این مواد عنوان می‌گردد. پرداخت ۱۵۰ میلیارد ریال بارانه از سوی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی بسه کارخانجات روغن کنج بابت خرید دانه روغنی تولید داخل در سال ۱۳۸۰ از این مقوله است. رونق بارانه‌ای که باید نصیب کشاورزان می‌گردد به بهانه ازان بودن واردات بسه کارخانجات روغن کنج پرداخت می‌شود و همین روغن کنج را وضع تعرفه مناسب بر واردات دانه روغنی و روغن خام که منافع کارخانجات را کاهش می‌دهد، با سرسختی جلوگیری می‌کنند، در صورت وضع تعرفه مناسب بر واردات این اقلام سود قابل توجهی که نصیب کارخانجات روغن کنج می‌گردد کاهش می‌یابد. نیاز می‌هم به پرداخت بارانه‌های هانخواهد بود. طبیعی است که مسئولان گماشته شده از سوی محافل قدرت‌مند صنعتی و بازرگانی از بروز این ضایعه جلوگیری خواهند کرد.

داستان تولید محصولات کشاورزی و نظام حاکم بر حمایت‌های این محصولات و مسائل مربوط به تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران اقتصادی، متشوی اسف‌بار هفتاد من کاغذ است که امید می‌شود مسئولان دلسوز وزارت جهاد کشاورزی بهای لازم را بدان داده و چاره‌ده و خور آن را بیابند و کار ببندند. گره وزارت جهاد کشاورزی امکانات و بسترهای لازم برای جلب حمایت مسئولان و کارشناسان کشاورزی با تصمیم‌گیران آن گره که وزارتخانه‌های صنایع و بازرگانی مهیا نموده‌اند، فراهم نیاروده است اما به خاطر اخلال‌های توسعه بخش تولیدی بایدین ابزار نماند است. توجه به مقوله اقتصاد کشاورزی و جلب توجه مسئولان به مسائل کلیدی بخش به ویژه بحث بازار محصولات کشاورزی از کلوگ‌های دیگری است که عناصر حیات می و طبلد و شایسته پیگیری مجداً است.

نمی‌ماند و منابع کمتری از یارانه‌ها نصیب بخش کشاورزی و گندم کاران خواهد شد و بنابراین واردات گندم به پشتوانه دلارهای نفی همچنان بر رونق دارد و به افزایش خواهد بود. قیمت سایر محصولات نیز بر همین متوال تعیین گردیده و می‌گردد، به نحوی که کشاورزان را در نقطه سر به سر زمین گیر کند. مثال دوم در مورد خودروسازی است. سال‌هاست که مصرف‌کننده ایرانی محصولات با کیفیت بسیار پایین و قیمت‌های بسیار بالا را خریداری می‌کند در این بازار انحصاری به حقوق مصرف‌کننده کمترین اعتنایی نمی‌شود اما هرگاه زمره واردات خودرو و اعطای حق انتخاب به مصرف‌کننده از گره‌های بلند می‌شود هزاران صاحب‌نظر دانشگاهی و دولتی با استفاده حداکثر از قلم‌رو زبان به درودسته‌های فراگیر چنان غوغایی در حمایت از تولید داخلی و منع واردات بر پای می‌سازد که مدعیان به احساس خود کم‌بینی و خیانت‌دچار شده‌زبان به کام می‌گیرند. چرا هنگامی که بر محصولات کشاورزی قیمت‌های نازل بسته می‌شود و سهمیه یارانه شیر، پنیر، مرغ، تخم‌مرغ، چای و غیره که در جهت منافع تولیدکنندگان است، کاهش می‌یابد و یسا قطع می‌شود هیچ صاحب‌نظر و مسؤولی دچار عذاب وجدان نمی‌شود و علم اعتراض بر نمی‌افزاید؟ متأسفانه اهمیت اقتصاد کشاورزی و به ویژه تأثیر قیمت بر سرنوشت کشاورزان و بخش کشاورزی از دید مسئولان این بخش پنهان مانده است. چنانچه سهم نابجای از تلاش‌هایی که مصروف ترویج و توسعه و افزایش کشت و باغداری و دامپروری و شیلات و غیره گردیده به تلاش در اثرگذاری بر تصمیمات اقتصادی و به ویژه تعیین قیمت مناسب برای محصولات کشاورزی اختصاص می‌یافت شاید این امکان فراهم می‌گردید که به رغم اخلال‌های بخش‌های صنعت و بازرگانی قدری از سهم عادلانه و مشروع کشاورزان را باز پس می‌گرفتند. اگر چه اقدامات اقتصاددانان به خوبی قادرند پشتوانه نظری لازم برای دستیابی به اهداف خاص توسعه بخش کشاورزی را ارائه نمایند. مثال خودرو و خودروسازان نمونه عینی این ادعا است. وزارت جهاد کشاورزی می‌بایست به خاطر مطلوبیت و محرومیت کشاورزان از این دین به آنان در تعاملات حاکم بر تعیین قیمت محصولات کلیدی تأثیرگذار بر سرنوشت دیگران فعالانه مداخله نماید و از سوی دیگر با یاری اقتصاددانان چارچوب نظری لازم برای دفاع از منافع بخش در افکار عمومی را فراهم سازد.

بهانه‌ها به درازن می‌نویسد و تاجرت جهانی نمی‌تواند و بی‌سلبه پایین‌گردد داشتن قیمت محصولات کشاورزی و تداوم فقر و محرومیت کشاورزان قرار گیرد. توجه به منافع ملی در اولویت تصمیم‌گیری قرار دارد و دیدیم که چگونه دولت آمریکا

توسعه متوازن کشور بوده است، انتخاب مسئولان معاونت و درون آن میان نخبگان کارشناسی و مدیریتی سازمان صورت می‌گرفته است. در غیر این صورت شافل این سمت همواره از بیرون سازمان و در تعامل و سازش با وزارتخانه‌های ذی ربط و در جهت تأمین رضایت محافل ذی نفوذ صنعت و بازرگانی انتخاب و منصوب می‌شود. از آنجا که وزارت کشاورزی و مشروعت نفوذ در محافل قدرت و ارکان تصمیم‌گیری را با زوده‌های کشاورزی می‌گیرد که بی‌خبر از همه جا و هر مشکل در دورافتاده‌ترین نقاط کشور به تلاش مشغول اند و یا بر ابژه متخصصان و کارشناسان این بخش که قدرت رأی آفرینی ندارند متکی است، همواره در این انتخاب مغبون واقع شده‌اند.

حقیقت این است که به توجیه مقامات مسؤول وزارتخانه جهاد کشاورزی به نفوذ کلام اقتصاددانان و اهمیت توجه به مسائل اقتصاد کشاورزی به

بی‌پشتوانه ماندن این بخش و بهره‌مندی از حمایت و توجه کارشناسان تصمیم‌ساز و مسئولان تصمیم‌گیری تأثیر نیست. وزارتخانه‌های صنایع و بازرگانی و زیرمجموعه‌های وابسته به آنها به خوبی قادرند یسا استفاده از ابزار خونی‌سازی و رانت بخشی صاحب‌نظران و توجیه اهداف بخش خویش خدمت دهند و در مراجع تصمیم‌گیری اعمال نفوذ کنند. اما وزارت جهاد کشاورزی به دلیل محرومیت ساختاری بخش توان رأی آفرینی ندارد و نتیجه از تأثیرگذاری بر کارشناسان تصمیم‌ساز و مسئولان تصمیم‌گیری این است که به دلیل رقابت با بخش‌های دیگر و بهره‌جویی از منافع آرزوی ریالی بودجه دولت و نیز تضاد منافع دست‌اندرکاران این بخش با انتحاب مسؤولان معاونت برآیند چالش قدرت در این سه بخش است. در دوره‌هایی که مسؤول اول سازمان دارای گرایش فراجشی و اراده‌ای معطوف به منافع عمومی

یارانه‌ها را تغذیه می‌نماید قابل ستایش و درخور دست میراد است. برده است؟ زمین گیر با درآمد بخور و نمیر و زندگی فقیر. بخشی از این سرنوشت معلول نظام قیمت‌گذاری محصولات کشاورزی است که این نظام نیز خود دستاورد اعمال نفوذ بخش‌های رقیب یعنی صنعت و بازرگانی و به کار گماری نمایندگان محافل قدرت‌مند صنعتی و بازرگانی در تعیین سهم این بخش از یارانه‌ها و حمایت‌ها نقش کلیدی دارند، در سازمان‌های مدیریتی برنامه‌ریزی کشور و وزارت بازرگانی جای گرفته‌اند. نمایندگانی بخش بازرگانی با دستاویز رقبانی تودن اقتصاد و توسعه بستر مناسب برای پیوستن به ترتیبات بین‌المللی و WTO و نیز ضرورت کاهش حمایت‌ها و حذف یارانه‌های

تولیدی از اختصاص یارانه کافی و لازم به تولید محصولات کشاورزی معانعت و یارانه بر مصرف این محصولات را که خود عهده‌دار توزیع و واردات آن می‌باشند توصیه و در کشاورزان بر حداقل ارقام پای می‌فشارند.

تولیدی از اختصاص یارانه کافی و لازم به تولید محصولات کشاورزی معانعت و یارانه بر مصرف این محصولات را که خود عهده‌دار توزیع و واردات آن می‌باشند توصیه و در کشاورزان بر حداقل ارقام پای می‌فشارند.

فهرست اقلام خریداری شده از فروشگاه‌های شهر و دریا به سافه تکنجاری مرور می‌کنم. دو قلم زیر شایسته دقت است: نان جو بزرگ ۵۰۰ گرم ۱۵۰۰ ریال این ظرفشویی فانتزی کلاهی ۲۱۲ ریال این ظرفشویی را از پاکت درمی‌آورم. وزن آن چیزی حدود ۳۰ گرم است و اعداد ماده اولیه لازم برای تولید آن از مشتقات نفت است که کشور ما از تولیدکنندگان عمده آن به شمار می‌آید. این دو کالا که یکی محصول بخش کشاورزی و دیگری تولید صنعتی است با هم سنجینی ندارند اما مقایسه قیمت آن دو بیانگر غارت‌های بارز در سرنوشت توسعه دو بخش کشاورزی و صنعت در اقتصاد ملی است هیچ کس اهمیت نان و تیرهم بودن این ظرفشویی در سبد هزینه خانوار ایرانی را مکنر نیست. این که چگونه قیمت بر ظرفشویی ۵۰ درصد از قیمت ۵۰۰ گرم نان جو (بدون یارانه)

گران تر است به نظام قیمت‌گذاری ساکم بر مصرف و کالاها بر می‌گردد. مرور بر چند و چون این نظام و نهاده‌ها و مسؤولان دست‌اندرکار تصمیم‌گیری روشن می‌سازد که درآمد تنگ کف و معیشت بخش کشاورزان معلول چه سازوکاری است.

در سال‌های اخیر به برکت سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی و حمایت‌های تسهیلاتی، فنی، تربیتی و تلاش مدیران و کارشناسان بخش کشاورزی، تولید محصولات به میزان چشمگیری افزایش یافت. این سرمایه‌گذاری‌ها و رعایت برنامه‌ریزان به بخش کشاورزی در مقایسه با آنچه از ارز و ریال به بخش صنعت اختصاص خاک و شرایط دشوار اقلیمی و تنگنای متعدد بخش کشاورزی، بی‌فرایم، دستاورد برنامه‌ریزان و مجریان این بخش که هم‌اکنون ۶۷ میلیون ایرانی و میلیون‌ها نفر ساکنان کشورهای همجوار به برکت قاجاق و نظام

